

## دربارهٔ يك ضرورت

به عللی که ریشه‌های دور و دراز تاریخی و انگیزه‌های خاص مربوط به تضادهای دنیای کنونی دارد، در روزگار ما رفتار مقامات رسمی ایران نسبت به صاحبان اندیشه و ابداع هنری در دو جهت کاملاً متمایز سیر میکند و چنین مینماید که اگرمانعی نباشد باز تا سالها در همان دو جهت سیر خواهد کرد:

یکی پروردن و به کار گرفتن اندیشه‌های رام دست‌آموز، که زندگی و تکاپویی اگر دارند، همان درشمار مألوف سنن و مقررات و عقاید پذیرفته‌است، با کم و بیش نازک‌کاری و آرایش و پیرایش که بهر حال هیچ چیز را در صورت موجود زمانه عوض نمیکند. سازمان‌های عامله کشور، با توجه و دلسوزی مخدومان، گذشته از مال و مقام و افتخارات، همه‌گونه امکاناتی را برای نشر و اشاعهٔ مکررات دلخواه آثارشان در اختیار این گروه میگذارند.

دیگر ترس و بدگمانی و احیاناً کین‌توزی نسبت به اندیشه‌های پویندهٔ راهگشا که نظر به افق‌های آینده دارد و فردا را نوید میدعد. دربارهٔ این گروه و غرابت اضطراب‌انگیز آثار و آرایشان، سعی همه در محدود داشتن و منزوی کردن و سرپوش نهادن است، از طریق همه‌گونه سد و بند نهان و آشکار در زمینه‌های عملی عرضه و انتشار. و اگر این همه درباره‌ای موارد مؤثر نیفتاد، یا قبول عام سائبانی مصون از تعرض پدید آورد، آنوقت تظاهر به همداستانی است و تأیید و تحسین ریائی و سعی در خنثی کردن اندیشه با حفظ قالب کلام.

این رفتار دوگانه که آشکارا حقوق شناخته شدهٔ بشری را نقض میکند و کسانی را که نخواهند آزادی و آزاداندیشی خود را در مقام خرید و فروش بگذارند به خاموشی محکوم میدارد، در پس نقاب صلاح‌اندیشی و خیر اجتماع رشد فکری مردم و استعداد قضاوت درست‌آنان را نفی میکند، بر خورد آزادانهٔ آراء و نقد سالم و باروری اندیشه و آثار هنری را مانع میگردد و محیط ساکن و در بسته‌ای بوجود می‌آورد که در آن اوهام و اباطیل جایگزین اشکال‌زندهٔ ادب و فلسفه و هنر میشود.

و این خسرانی بزرگ است، هم در سطح فرد و هم در سطح ملت. در دنیائی که از طریق روزنامه و کتاب و فیلم و رادیو و تلویزیون سیل اندیشه‌ها و مفاهیم گوناگون از فراز دیوار مرزها و مقررات در وجدان مردم جهان سرریز میکند، هرملتی موظف است که با آگاهی و بینش و ارادهٔ آزاد

غذای روح خود را از این میان انتخاب کند و به کوشش فرزندان مبتکر و آزاد اندیش خود دیگران را بر سفره رنگین خود بنشانند .

و این جز با ارج گذاشتن به اندیشه‌های نو و احترام به آزادی فکر و بیان و تأمین بی‌خدشه وسایل مادی نشر و تبادل آزادانه افکار و آثار ممکن نیست . مردم و سازمان‌های عامله کشور ، خاصه همه کسانی که با اندیشه و ابداع سروکار دارند ، باید بیاموزند که بیان و اندیشه دیگران را ، خواه موافق یا مخالف ، تحمل کنند و آزادی را به خود محدود ندارند ، دایه و قیم و یا از آن بدتر گزیده نباشند . چه آزادی اندیشه و بیان در فطرت آدمی است و هیچ جبر و تحکمی قادر بر محو آن نیست . آزادی اندیشه و بیان تجمل نیست ضرورت است : ضرورت رشد آینده فرد و اجتماع ما .

و بر اساس همین ضرورت است که «کانون نویسندگان ایران» که شامل همه اهل قلم - اعم از شاعر و نویسنده و منتقد و نمایشنامه‌نویس و سناریو نویس و محقق و مترجم - می‌گردد تشکیل می‌یابد و فعالیت خود را بر پایه دو اصل زیرین آغاز میکند :

۱- دفاع از آزادی بیان با توجه و تکیه بر قوانین اساسی ایران - اصل ۲۰ و اصل ۲۱ متمم قانون اساسی - و اعلامیه جهانی حقوق بشر - ماده ۱۸ و ماده ۱۹ آن .

آزادی بیان شامل همه انواع آن اعم از کتبی و شفاهی یا به کمک تصویر است ، یعنی نوشته ، نوشته چاپی ، سخنرانی ، نمایش ، فیلم ، رادیو و تلویزیون . هر کسی حق دارد به هر نحوی که بخواهد آثار و اندیشه‌های خود را رقم زند و به چاپ برساند و پخش کند .

مقامی که رعایت این حق از او مطالبه میشود قوای سه‌گانه کشور است و همه صاحب قلمانی که در راه بدست آوردن و صیانت این حق میکوشند میتوانند با قبول مفاد این بیانیه در کانون نویسندگان ایران نام نویسی و شرکت کنند .

۲- دفاع از منافع صنفی اهل قلم بر اساس قانون یا قوانینی که - در حال یا در آینده - روابط میان مؤلف و ناشر یا سازمان‌های عامله کشور را بنحوی عادلانه معین و تنظیم کند .

کانون نویسندگان ایران از همه صاحب قلمانی که به این دو اصل معتقد بوده حاضرند در راه جان بخشیدن به آنها بکوشند دعوت میکند تا گرد کانون فراهم آیند و مساعی پراکنده خود را برای رسیدن به مقصود هماهنگ سازند .

کانون نویسندگان ایران

صمیمانه باید اعتراف کنیم که ادبیات و هنر و فرهنگ امروز ما، دچار انحطاطی عظیم گشته است. يك نگاه گذرا به آثار نقاشی، شعر، موسیقی، داستان نویسی و کمیت و کیفیت کتب و مجلاتی که منتشر میشود گواه بر این مدعاست. هنرمندان، آینده داران راستین جامعه‌ای هستند که در آن زندگی میکنند و چندی و چونی آثاری که بدست آنان پرداخته میشود و سطح هنری و روابطی که بر زندگی هنری آنان حکومت میکند تبلور هنرمندانۀ روابط و مسائل حاکم بر جامعه آنان است.

انکار نمیتوان کرد که در چند ساله اخیر، دوباره بازار چاپ کتاب، نمایشگاههای نقاشی، نشر داستانها و اشعار و نمایشنامه نویسی حرکتی کرده و ظاهراً نشان دهنده رواجی است. ولی تماشاچی نمایشگاههای طاق و جفت نقاشی حق دارد از خود سؤال کند این خیل نقاشان با گذاشتن رنگهای منگوش و درهم و خطوط ناموزون و آبستره و پاپ آرت بازی به کجا میروند و با فروش تابلوهای خود که خریدارانی هم دارد، چه دیوارهایی را مزین میکنند و از طرفی آن دیگران که یکسره بدنبال کارهای خرد رنگ کن و فرنگی بسند ستاخانه و طلسم سازی افتاده اند آیا از اوج قلۀ رفیع هنر به منجلاب ابتذال کاسبکاری نیفتاده اند؟

در شماره نوزده سال گذشته مجله فردوسی که تلاشی در معرفی استعداد های جوان میکند گزارشی چاپ شده بود از کارنامه یکساله شعر و بقلم «ا. ن. پیام» که نشان میداد در سال گذشته بیش از سیصد و پنجاه نفر شاعر نوجو اشعاری در مجلات ادبی و هنری منتشر کرده اند. این کمیت قابل توجهی است ولی از نظر کیفیت اگر معیارهایی برای شناختن غث و ثمین اشعار کهن سرايان وجود داشت که با محك وزن و قافیه و عروض و بدیع و مضمون و غیره میشد سره را از ناسره باز شناخت، برای شناختن شعر امروز چه معیاری در دست است؟

دکتر ساعدی نمایشنامه نویس چیره دست ما که آخرین نمایشنامه او «آی با کلاه و آی بی کلاه» مورد استقبال کم نظیری واقع شد و چندبار مدت نمایش آن تمدید شد، حساب میکرد که در طول مدت نمایش، در آمد متصدی بوفۀ تئاتر متجاوز از سه برابر بیس از او بوده که نویسنده نمایشنامه است و جوهر فکری خود را عرضه کرده است.

ظاهراً نویسندگان باید در نشان دادن رنگ زمانه خود دست بازتری داشته باشند ولی جمعی که با ابنای زمان ساخته‌اند و تا حد قلم بمزدان جیره‌خوار تنزل کرده‌اند زندگی شیرین قسطی و غیر قسطی خود را میگذرانند و زینت المجالس شبانه و ابزار نمایش روزانه‌اند و دیگران که احساس مسؤولیت میکنند و فکر و قلم خود را به معرض بیع و شری نگذاشته‌اند یارای دم زدن ندارند .

صنعت چاپ و صحافی ترقی کرده است ، پشت شیشه کتبا بفروشی‌ها را که نگاه میکنی کتابهای قد و نیمقد از نویسندگان و شعرا و مترجمان مختلف می‌بینی با صفحات زیاد ، کاغذ اعلا و صحافی لوکس و قیمت گزاف، که کتابخوان علاقمند، با توجه به موجودی جیب ، جرأت نزدیک شدن بآنها ندارد . از کتابفروشان و ناشران می‌پرسی که این چه معرکه‌ای است ؟ جواب می‌شنوی که چاپ کتاب کمتر از سیصد صفحه و با کاغذ و جلد معمولی صرفه‌ای اندک دارد. کتابها باید با جلدهای زیبا و قطع‌های مناسب برای زینت قفسه کتابخانه خانهای تازه‌ساز منتشر شود . تازه حقوق نویسنده و مترجم هم در این میان همان اندک است که بود .

حقیقت اینست که تمدن فرنگی را بطور منطقی و صحیح اخذ نکرده‌ایم بلکه بما تحمیل شده است و تلاش میشود تا يك بورژوازی قلابی ، يك طبقه جدید و يك دسته تازه بدوران رسیده بی‌ریشه که افکار و اعمالش در سطح و در حدود زرق و برق زندگی قسطی امروز است بوجود آید و براه کثرتی عظیم مسلط شود و چنین طبقه‌ای خریدار چنین هنری نیز هست .

این بحثی است که در چنین مختصری نمی‌گنجد و در فرصتی مناسب از راه همین بحث و تجزیه و تحلیل آن باید به ریشه بی‌ریشگی‌ها پی برد ولی هر عملی يك عکس‌العمل جبری و منطقی را پشت سر دارد . مگر فرانسۀ امروز را نمی‌بینیم و عکس‌العمل منطقی آنهمه پوچی‌ها و بیتل بازیها و بیت نیک بازیها را ؟

در این میان آنچه بین ما گرم بود بازار نفاق و تفرقه و فحش و ناسزا بود و کم‌کم ضرورتی دیده میشد که عکس‌العمل آنهمه نفاق و تفرقه در میان روشنفکران پدیدار شود .

نزدیک دو سال پیش بدعوت آل‌احمد و دکتر ساعدی جمعی فراهم آمدند و امضائی برای رفع تضییق از نویسندگان و ملاقات عده‌ای بانخست وزین و

گرفتن قول و وعده‌ای طبق عادت معمول، و اجماع کار به کمیسیون‌های که گذشته... نزدیک یکسال بعد از آن، امضای دیگری جمع شد. از نویسندگان و شعرا برای کار مشترک دیگری و تعداد ادعاها از آن اولی بیشتر بود که عده‌ای دیگر از صاحب‌دردان احتیاط را کنار گذاشته بودند و همین مایه شد برای فراگرد آمدن حضرات و تسلط بردلتنکی‌های زودگذر شخصی و اتفاق نظر بر سر مسائل و منافع مشترک و تشکیل قانون نویسندگان و قانونی کردن آن، که گزارش مختصرش را اسماعیل نوری علاء نوشته است و با اضافه کردن چند سطر به آخر آن میخوانید و اولین بیانیه قانون را در شروع مقال خواندید :

هسته‌ی اولیه‌ی قانون نویسندگان ایران در تاریخ ۳۰/۱۱/۴۶ بوجود آمد و جلسات بحث و مذاکره نویسندگان برای بررسی موقعیت خویش نسبت به مسایل جاری اجتماعی و صنفی تا آخر سال ۴۶ ادامه داشت. در آخرین جلسات سال گذشته بود که تصمیم گرفته شد برای یکپارچه کردن فعالیت‌های مختلف نویسندگان قانون نویسندگان ایران بوجود آید و نویسندگانی که در جلسات قبلی شرکت کرده‌اند بعنوان هیئت مؤسس قانون شناخته شوند. اولین جلسه رسمی هیئت مؤسس قانون نویسندگان ایران در تاریخ ۱۵/۱۱/۴۵ تشکیل شده و طی پنج جلسه بحث و گفتگو مطالبی که از این پس نقل خواهیم کرد بتصویب رسید.

اعضاء هیئت مؤسس قانون اکنون ۴۹ نفرند که در تهران اقامت دارند و هنوز اقدامی برای پذیرفتن عضو از شهرستانها بعمل نیامده و اسامی اعضای فعلی عبارتند از :

بازوان: خانم دکتر سیمین دانشور - مریم جزایری - فریده فرجام - غزاله عزیزاده و آقایان بتر تیب حروف القبا: داریوش آشوری - جلال آل احمد - شمس آل احمد هوشنگ ابتهاج «ه. الف. سایه» - نادر ابراهیمی - احمد رضا احمدی - بهرام اردبیلی احمد اشرف - محمود اعتمادزاده «به آذین» - بیژن الهی - عبدالله انوار - دکتر رضا برهانی - بهرام بیضائی - عباس پهلوان - فریدون تنگابنی - حشمت جزینی - دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی - غفار حسینی - علی اصغر خیره زاده - دکتر منوچهر خسرو شاهی - اسماعیل خوئی - اکبر رادی - نصرت رحمانی - یدالله رویائی - محمدرضا زمانی - محمد زهری - دکتر غلامحسین ساعدی - گوهر مراد - محمدعلی سپانلو - رضاسید حسینی - اسماعیل شاهرودی - منوچهر شیبانی - منوچهر صفا «غ. داود» - سیروس طاهباز - اسلام کاظمیه - سیاوش کسرانی - علی اکبر کسمائی - جعفر کوش آبادی - محمود مشرف آزاد

تهرانی (م. آزاد) - سیروس مشنقی - حمید مصدق - فریدون معزی مقدم -  
کیومرث منشی زاده - نادر نادرپور - اسماعیل نوری علاء « پیام » -  
وهوشنگ وزیری.

هیئت رئیس کانون اساسنامه‌ی کانون را تصویب کرد. مواد مهم این  
اساسنامه عبارتند از:

ماده ۳ - موضوع و هدف کانون: کانون نویسندگان ایران مؤسسه‌ایست غیر  
تجارتی که بمنظور حمایت و استیفای حقوق مادی و معنوی اهل قلم و کمک به نشر  
آثار ایشان و هدایت نو قلمان و پرداختن به فعالیت‌های فرهنگی از قبیل  
تشکیل مجالس سخنرانی، سمینارها کنفرانس‌ها و نمایش‌ها یا شرکت در  
آن‌ها - و تعالی فرهنگ ملی و آشنائی با مظاهر مختلف فرهنگ امروز جهان  
و نیز بمنظور کمک بزندگی کسانی از اهل قلم که در مضیقه‌اند، در حدود  
اساسنامه کانون و مقررات جاری کشور تأسیس میشود.

ماده ۶ - - کسانی میتوانند به عضویت کانون در آیند که نسبت  
بروح موضوع و اساسنامه کانون عملاً وفادار بوده و یکی از شرایط ذیل را  
حائز باشند:

الف - نویسندگان، شاعران و نمایشنامه نویسان که با خلق آثار ادبی به  
غناي فرهنگی و رشد افکار کمک میکنند.

ب - محققین که در تحلیل مبانی فرهنگی و اجتماعی و فلسفی  
میکوشند.

پ - مترجمان، مفسران و منتقدان که با نشر آثار ادبی و اجتماعی  
و فلسفی بـرشد فکری و بیداری اذهان و غناي فرهنگی عمومی کمک  
می‌کنند.

ماده ۷ - اعضاء کانون را دو دسته اشخاص زیر تشکیل میدهند:

الف - اعضاء مؤسس که امضاء کنندگان این اساسنامه هستند و پس  
از ثبت اساسنامه و تشکیل کانون دارای حق بخصوصی جز حق عضویت  
نخواهند بود.

ب - اعضاء جدید که هر يك باید دارای دو معرف از بین اعضاء کانون  
بوده و نیز عضویت ایشان به تصویب هیئت مدیره برسد. در عین حال  
هیئت مدیره کانون نیز می‌تواند در صورت لزوم تقاضای مستقیم اشخاص  
و اجد شرایط را بپذیرد.

(ارکان کانون نویسندگان عبارتند از: مجمع عمومی - رئیس کانون -  
هیئت مدیره - کمیسیون‌های کانون)

ماده ۱۳ - هیئت مدیره مرکب از پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل اول و  
دوم است که همگی را مجمع عمومی انتخاب مینماید.

تبصره - از لحاظ آئین‌نامه داخلی کانون هیئت مدیره کانون « هیئت  
دبیران، و اعضاء آن « دبیران کانون » خوانده میشوند.

ماده ۳۴- کانون می تواند برای اداره فعالیت های فرهنگی خود کمیسیون هائی داشته باشد که اعضاء آن راهیئت مدیره انتخاب می نماید .  
ماده ۳۶ - سرمایه کانون در طول زمان از چهار قسمت زیر تشکیل میشود .

الف - سرمایه اولیه ای که وسیله مؤسین کانون برای تشکیل آن پرداخت شده است ( این مبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال است که تمام آن پرداخت گردیده است ) .

ب- مبالغی که با پرداخت های ماهیانه اعضاء جمع آوری میگردد .  
پ- مبالغی که از محل فعالیت های کانون فراهم میشود  
ت- کمک هائی که از طرف اشخاص علاقمند بطور بلاعوض باین کانون تعلق میگیرد .

ماده ۳۷- هر يك از اعضاء کانون موظفند ماهیانه مبلغی که از ۱۰۰ ریال نباید کمتر باشد بعنوان حق عضویت بپردازند...

ماده - ۳۹ کانون بمنظور آماده بودن برای کمک با اعضاء خود و یا جبران خسارات وارده به کانون یا به افراد حقیقی یا حقوقی دیگر از طرف کانون و نیز جهت مصارفی که هیئت مدیره یا مجمع عمومی صلاح بداند صندوق پس اندازی خواهد داشت .

نتایج انتخابات کانون نویسندگان ایران بشرح زیر است .

رئیس کانون: خانم دکتر سیمین دانشور

اعضاء هیئت دبیران: خانم دکتر سیمین دانشور- آقای محمد اعتمادزاده-

آقای نادر نادرپور - آقای سیاوش کسرائی و آقای داریوش آشوری.

اعضاء علی البدل هیئت دبیران: آقای دکتر غلامحسین ساعدی - آقای

بهرام بیضائی .

سخنگوی کانون: آقای نادر نادرپور

باز رسان مالی کانون : آقای نادر ابراهیمی- آقای فریدون معزی مقدم

صندوقدار کانون . آقای فریدون تنکابنی

منشی کانون : آقای اسماعیل نوری علاء

باید توجه داشت که آقایان جلال آل احمد و هوشنگ وزیری از نامزد

شدن در انتخابات خودداری کردند)

در جلسه عمومی ای که بمنظور انتخابات کانون تشکیل شده بود بلافاصله

پس از انتخاب هیئت رئیسه و صندوقدار ، جلال آل احمد مبلغ پانزده هزار ریال

چك حق الترجمة كتاب «عبور از خط» را در اختیار صندوق کانون گذاشت و

دیگران هر يك بقدر همت و درآمد خود کمك هائی به صندوق کانون کردند تا

آمادگی لازم برای تهیه محل و مخارج ثبت و رسمیت قانونی کانون بوجود آید .

اسلام کاظمیه